

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۶
مشرق موعود
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۱
۱۳۹۷

فصل نامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز

نقش مهدویت در وحدت و همگرایی جهان اسلام

حسین الهی نژاد^۱
سیدحامد شاهرخی^۲

چکیده

بر اساس آیات و روایات و نیز تجربه بشر در طول تاریخ، اتحاد و همگرایی دو عامل مهم و مؤثر در ساماندهی و رساندن جامعه به سوی مقصود و هدف خود هستند؛ و در پرتو آنها همواره پیشرفت و شکوفایی و عزت و اقتدار و خلاقیت و در نهایت به حاکمیت بر زمین نائل خواهند گشت، در نقطه مقابل، فقدان این دو عامل در جامعه باعث خودتریبینی و بروز تعصبات قومی و فرقه‌ای و پراکندگی و سلب نعمت از آنان و در نهایت به ذلت و استعمار مبتلا خواهند شد.

پس جایگاه اتحاد و همبستگی در جهت‌دهی جامعه به سوی پیشرفت و تعالی، جایگاه مهم و خطیری است. هرچه اتحاد میان مردم بیشتر باشد، حرکت مردم به سوی جامعه مطلوب سرعت بیشتری می‌یابد. اتحاد، در بسترها و زمینه‌های گوناگونی قابل توجیه است؛ زیرا گاهی براساس باورها شکل می‌گیرد و گاهی بر اساس ملیت و نژاد قابل پی‌گیری است و زمانی هم وطن و جغرافیا این نقش را ایفا کرده و مردم را به سوی اتحاد و همدلی حرکت می‌دهند. در نتیجه اتحاد دارای بسترهای مختلفی است که با رویکردهای اعتقادی، اجتماعی، نژادی، جغرافیایی و... توجیه می‌شود. یکی از آن بسترها، باورداشت مهدویت و مؤلفه‌های اساسی و مشترک آن همچون اصل ظهور و

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم
(hosainelahi1212@gmail.com)
۲. دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

انتظار و حتمیت آنها و نام و اوصاف امام مهدی و نسب ایشان و حکومت جهانی، گسترش عدالت و دیگر مؤلفه‌ها است که مورد قبول همه گروه‌های اسلامی بوده و سوژه مناسب و مهمی برای ایجاد اتحاد میان مسلمانان و جوامع اسلامی می‌باشد. لذا این پژوهش با بیان و تمرکز بر برخی از مؤلفه‌های وحدت‌بخش به نقش آنها در همگرایی معتقدان به این باور اصیل اسلامی پرداخته است و در صدد پاسخ به این پرسش اساسی است که مهدویت در همگرایی جهان اسلام چه نقشی دارد؟

واژگان کلیدی:

مهدویت، وحدت، همگرایی، جهان اسلام.

مقدمه

از دیرباز، موضوع وحدت اسلامی، گفتمان رایج میان مسلمانان بوده است. رهبران دین در گروه‌های اسلامی، با عنایت به اهمیت و اثر وحدت، علاوه بر توصیه‌های گفتاری، در عمل نیز بدان ملتزم بوده‌اند. کتاب‌های حدیثی و تاریخی که سرشار از احادیث و جملات وحدت‌بخش است، از اهتمام پیشوایان دینی به مسئله اتحاد و همدلی میان مسلمانان حکایت دارد. در این زمینه رسول خدا؟ ص؟ فرموده است: بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت و وحدت مؤمنان باشد؛ کسی که انس نگیرد و با دیگران مانوس نشود، خیر ندارد (صدوق، ۱۴۱۴ق: ۴۶۲).^۱

پیشرفت و ترقی جامعه، در گرو اتحاد و همدلی است. جامعه‌ای که می‌خواهد به سوی تکامل و ترقی حرکت کند، به یقین، مردم آن جامعه، در امور اجتماعی، یکدل و یکرنگ هستند؛ پس ترقی منهای اتحاد معنا ندارد و اتحاد نیز ثمره‌ای جز پیشرفت ندارد. از آنجا که دین اسلام، در جایگاه آخرین دین آسمانی دو شاخصه جامعیت و کمال را همراه دارد، لازم است به همه سطوح زندگی بشر - اعم از فردی و اجتماعی - نظر داشته، برای رشد و تعالی انسان‌ها برنامه و راهکارهای مناسب ارائه بدهد، از طرفی همیشه بهترین و کامل‌ترین برنامه، برنامه‌ای است که فایده‌اش بیشتر باشد و افراد بیشتری از آن سود ببرند. بر همین اساس است که اسلام، مصالح اجتماعی را بر مصالح فردی ترجیح داده، در دوران امر میان منفعت اجتماعی و منفعت شخصی، حق را به منفعت اجتماعی می‌دهد. نیز از آنجا که غالب تعالیم

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ ع؟، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ؟ ص؟ يَقُولُ: ... خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَالَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۲).

روح‌بخش اسلامی، به نحوی با اجتماع و جامعه مسلمانان گره خورده است اسلام به اجتماع و جامعه اسلامی اهتمام ویژه ورزیده، برای حفظ آن از تدوین هیچ قانونی فروگذار نکرده است. بی‌شک ترابط میان اجتماع و اتحاد، ارتباطی وثیق و ناگسستنی است. بر همگان روشن است که اجتماع منهای اتحاد، یعنی افتراق و جدایی؛ پس نمی‌توان حرف از اجتماع و جامعه زد و اتحاد را همراه آن ندید. بر این اساس، می‌توان سیاست پیامبر اکرم؟ ص؟ را در ایجاد وحدت و برادری میان اصحاب خود، توجیه کرد: به خاطر خدا پیمان اخوت ببندید و دو به دو با هم برادر باشید (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ج ۱۵، ۱۴۹).^۱

نیز آن حضرت، برای حفظ جماعت مسلمانان فرمودند: هر کس از صف جماعت مسلمانان رویگردان شود، عدالت او نابود می‌شود (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶، ۲۴۱).^۲

جانشینان پیامبر اکرم؟ ص؟ همان سیره و روش ایشان را ادامه دادند و در این راه از هیچ کوششی - اعم از گفتاری و عملی - فروگذار نکرده‌اند. چنانچه امام صادق؟ ع؟ در کیفیت معاشرت با اهل سنت می‌فرماید: با آنها نماز گزار؛ زیرا هرکس در نماز جماعت آنان شرکت کند، مانند این است که با شمشیر برهنه در جهاد فی سبیل الله شرکت کرده است (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۲۲۷).^۳

پس، از منظر اسلام و پیشوایان دینی، اتحاد و همگرایی مسلمانان، دارای جایگاه والا و مهمی است و لازم است همه مسلمانان در این امر شرکت کنند تا اتحاد و همدلی در جامعه اسلامی حکم‌فرما شود. البته مقصود از وحدت، وحدت شیوه‌های فقهی و اجتهادی نیست؛ کما این‌که مقصود از آن، برتر قرار دادن مذهبی بر مذهب دیگر یا ادغام مذاهب در یکدیگر و قرار دادن آن‌ها به صورت یک مذهب یا تأسیس مذهب جدید نیست؛ بلکه مقصود از میان ابعاد وحدت، تنها در دو بُعد وحدت است: یکی بُعد سیاسی و اجتماعی و دیگری بُعد علمی و

۱. ... تَأْخُوا فِي اللَّهِ أُخْوِينَ أُخْوِينَ... (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ج ۱۵، ۱۴۹؛ ابن هشام حمیری، بی‌تا: ج ۲، ۳۵).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ؟ ص؟ لَا غَيْبَةَ إِلَّا لِمَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ وَ رَغِبَ عَنْ جَمَاعَتِنَا وَ مَنْ رَغِبَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ حَبَّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ غَيْبَتُهُ وَ سَقَطَتْ بَيْنَهُمْ عَدَالَتُهُ وَ وَجَبَ هِجْرَتُهُ... (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶، ۲۴۱).

۳. «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ؟ ع؟ يَا إِسْحَاقُ أَ تُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ صَلَّى مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۲۲۷).

فرهنگی. مقصود از بُعد اول: این است که همه مسلمین، هر کجای دنیا زندگی می‌کنند و دارای هر زبان و رنگ و از هر قوم و نژادی که هستند، به اسم مصلحت عالیه اسلامی در صف واحد در برابر دشمنان اسلام قرار گیرند؛ پس غرض این نیست که سنی، شیعه شود یا شیعه، سنی گردد. البته بر سنی است که مسلمان باشد قبل از آن که سنی باشد، و بر شیعه است که مسلمان باشد، قبل از آن که شیعه باشد.

مقصود از بُعد دوم وحدت یعنی بُعد علمی و فرهنگی، همان تقریب بین مذاهب اسلامی است. تحقیق این پدیده منوط است به اجتماع اندیشمندان و فقهای بزرگ مذاهب که آگاه به آرا و نظرات همه مذاهب باشند و مطرح کردن مسائل و اختلافات نظری در جوی سالم و آرام، صمیمی و به دور از تعصب، برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی در ابعاد علمی و کلامی... و نشر نتیجه بحث‌ها و مناظره‌ها برای پیروان مذاهب. (جناتی، ۱۳۸۱: ۵۰۱)

پس علاوه بر اتحاد در ابعاد سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی که ثمره آن، تحقق همبستگی و همدلی میان مسلمانان است، اتحاد در بُعد اعتقادی و کلامی نیز نقش مؤثری در وحدت‌بخشی جامعه اسلامی دارد. در منظومه باورهای اسلامی برخی از باورها همچون اعتقاد به خدا و قرآن و نبوت و رهبری و جانشینی پیامبر و اهل‌بیت به عنوان عوامل وحدت‌آفرین به صورت کلی معرفی شده‌اند، در این بخش، از اتحاد آموزه‌های اعتقادی که مورد قبول همه باورمندان اسلامی است، محور گفت‌وگو میان اندیشوران و عموم مردم قرار می‌گیرد. از جمله آن باورها، مهدویت است. در موضوع مهدویت و مفاهیم هم‌سو با آن، نظیر انتظار، ظهور، حکومت جهانی، گسترش عدالت و... هر کدام، عاملی برای وحدت‌بخشی میان باورمندان به مهدویت است. بر این اساس، مقاله ابتدا به بیان و نقد نظریه یکی از دانشمندان اهل سنت که مدعی است «اندیشه مهدویت با نظریه هم‌گرایی همخوانی ندارد» پرداخته سپس در بخش دوم، به مهدویت و مفاهیم هم‌سو که نقشی بی‌بدیل و تأثیرگذار در اتحادبخشی جامعه دارند، مبادرت ورزیده است.

نظریه ابن خلدون و همگرایی

قبل از ورود به بحث، لازم است نظریه ابن خلدون که مدعی است (اندیشه مهدویت با نظریه همگرایی ناهمخوان است) مورد کنکاش و امعان نظر قرار گیرد. او در جلد اول کتاب خود که به عنوان «مقدمه» نام‌گذاری شده است (قنوجی، ۱۴۱۶: ۳۴۵؛ محفوظ، ۱۳۷۳ش: ج ۲، ۲۲۱) مهدویت و احادیث مهدویت را به چالش کشیده است. ایشان در این کتاب در باب ۵۲ با عنوان «فی امر الفاطمی» به موضوع

مهدویت پرداخته است.^۱ (نظریه در ادامه به تفصیل بیان شده است) او می‌گوید:

بدان! مشهور میان تمامی اهل اسلام در گذشته اعصار آن بوده که می‌باید در آخرالزمان مردی از اهل بیت؟ عهم؟ ظهور کند که دین را یاری نموده، عدل را ظاهر می‌نماید... در این باره به روایاتی احتجاج می‌شود که پیشوایان گفته‌اند؛ اما منکران نیز در این باره سخن رانده‌اند و چه بسا با تمسک به اخباری دیگر، با آن مخالفت کرده‌اند (ابن خلدون، ۳۶۳ش: ج ۱، ۲۴۵).

پرسش‌ها و اشکالاتی که در کلام ابن خلدون مطرح شده است، به طور کلی در دو قسم قابل بحث و پی‌گیری می‌باشد:

۱. ضعف روایات مهدوی و عدم شایستگی برای این که مبنای اعتقادات مسلمانان قرار گیرد.

۲. ناهمخوانی باور به مهدی منتظر، با نظریه‌ای که ابن خلدون برای چگونگی پیدایش دولت‌ها و حکومت‌ها دارد که بر عصیبت و همگرایی استوار است.

تحلیل نظر ابن خلدون

استناد به روایات ضعیف: اما در قسمت نخست اشکال، ابن خلدون بعد از طرح مطالبی درباره مهدویت، به اسناد روایات مهدویت که تعداد آن‌ها را بیست و سه مورد برشمرده، که غالب آن‌ها با اتهام ضعف سندی رو می‌کند و تعداد قلیلی از روایات را از نظر سند قابل قبول می‌داند ولی در ادامه همین مقدار را با قانون جرح و تعدیل رد می‌کند.

عملکرد دوگانه: ظاهراً ابن خلدون برای تحقیق و بررسی اخبار و شناخت روایات صحیح و ضعیف، از آگاهی کافی برخوردار نیست؛ زیرا به قواعد رجالی‌ای که فقیهان و محدثان به کار می‌گیرند، توجه ندارد؛ از این رو وی، درباره روایات به شیوه‌ای قضاوت کرده است که پیش‌تر، هیچ یک از پژوهشگران روایی، آن را انجام نداده‌اند. گذشته از این که راه‌های شناخته شده و ضوابطی که مورخان رعایت کرده‌اند (و ابن خلدون هم از آنان به شمار می‌آید) را در نظر نگرفته است. افزون بر این خود به فراگیر بودن قاعده (تقدم جرح بر تعدیل در اسناد روایات) که برای پیرایش و تنقیح روایات گفته است، ملتزم نیست! روشن‌ترین دلیل آن است که او برای اثبات نظریه (نیاز حکومت به همگرایی عصیبت) خود روایت (ما بعث الله نبیا إلا فی منعة من قومه) را صحیح می‌داند در حالی که بنابر قاعده خودساخته ابن خلدون، روایت فوق ضعیف می‌باشد و باید رد شود.

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ۳۹۰.

عدم یادآوری تمامی احادیث: پس از بیان اخبار مهدویت، ابن خلدون خواننده را به این اشتباه می‌اندازد که آنچه آورده، تمام یا بیشتر روایاتی است که محدثان گفته‌اند. وی می‌گوید:
همه احادیث را در حد توان گردآوری کردیم (ابن خلدون، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۲۴۶).

اما وی جز بیست و هشت طریق، برای بیست و سه حدیث نیاورده است. همچنین روایاتی که در کتاب‌های مورد تاکید ابن خلدون آمده است و در آن‌ها از نام مهدی یا از عصر ظهور سخن گفته شده، بیش از پانصد روایت با سندهای گوناگون است.
وجود روایات صحیح: ابن خلدون در پایان ذکر اخبار، اعتراف می‌کند که بنابر مبنای خودش، برخی روایات، صحیح است:
این روایات - چنان‌که دیدیم - خالی از نقد نیست، مگر شمار اندکی (ابن خلدون، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۲۴۶).

حتی با در نظر گرفتن قاعده‌ای که وی برای صحت احادیث بر آن اعتماد دارد - یعنی تقدم جرح بر تعديل - همین تعداد سندهای صحیح کافی است، تا این اخبار را از شمار آحاد بیرون آورده، آن‌ها را به حد تواتر برساند (العمیدی، ۱۳۷۴ق: ج ۹، ۲۳).

دو ایراد به کلام ابن خلدون

الف) ایراد نقضی

قاعده‌ای که وی برای پژوهش و ارزیابی حدیث بدان معتقد است و جرح را بر تعديل مقدم می‌دارد، به رد بسیاری از احادیث صحیح مسلم و بخاری خواهد انجامید؛ اما ابن خلدون این کار را قبول ندارد؛ از این رو کوشیده است این چالش را چنین حل کند و بگوید: روایات هر دو کتاب (صحیح مسلم و صحیح بخاری)، اجماعی بوده، همین برای جبران ضعف سند برای احادیث بخاری و مسلم کافی است (ابن خلدون، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۲۴۵).

ب) ایراد مبنایی

اگر مقصود وی آن است که هر چه اجماع مسلمانان باشد، مصون از اشتباه است، این امر به طور گسترده در باور مهدویت - به طور ویژه در برخی روایات مربوط به مهدی؟ عج؟ - وجود دارد؛ زیرا بسیاری از بزرگان و علمای اسلامی متواتر بودن اخبار مهدی را ادعا کرده‌اند. حتی برخی ادعا دارند تمام مسلمانان معتقدند این باور، از اجماع برخوردار است. شاید آنچه ابن خلدون در آغاز سخنش درباره (مهدی فاطمی) می‌گوید: (مشهور میان تمامی اهل اسلام در طی اعصار گذشته...) اشاره به این



اجماع باشد. بنابراین هیچ تفاوتی میان اخبار صحیح بخاری و مسلم با اخبار مهدی؟ عج؟ از جهت اجماع وجود ندارد؛ اما اگر مقصود ابن خلدون این باشد که باور به مهدی و احادیثی که در این باره است از اجماع برخوردار نمی‌باشند، گفته می‌شود سخنان وی برخلاف سخنان عالمانی است که در این باره مطلب نوشته‌اند. اینان از کسانی که درباره اندیشه مهدویت ادعای اجماع کرده‌اند یا کسانی که مدعی‌اند احادیث مهدویت متواتر است نام برده‌اند. در این باره نزدیک به سی تن از عالمان متخصص را می‌توان نام برد. (المقدم، ۱۴۲۳ق: ۱۳۰).

مثلاً صبان در (۱۴۰)، شبلنجی در (۱۴۲۷ق: ۱۵۵)، ابن حجر در (۹۹)، زینی دحلان در (۳۸۷ق: ج ۲، ۲۱۱)، برزنجی در (۱۴۲۵ق: ۲۴۱)، سویدی در (۱۴۱۵ق: ۷۸)، منصور علی ناصف در (۳۸۱ق: ج ۵، ۳۶۲)، ابن حجر عسقلانی در (۱۴۲۸ق: ج ۵، ۳۸۲)، گنجی شافعی در (۱۴۱۷ق: باب ۱۱، ۲۳۲) و... توجه این قبیل از اندیشمندان اهل سنت از اهتمام اعتقاد به مهدویت و متواتر بودن آن نزد آنان حکایت دارد.

بی‌شک بر حدیث‌شناسان روشن است وقتی در موضوعی ادعای تواتر می‌شود، دیگر لازم نیست به بحث سندی و رجالی آن موضوع پرداخته شود؛ از این رو وقتی درباره احادیث مهدویت از طرف علمای اهل سنت و شیعه ادعای تواتر شود، یقین‌آور بودن مهدویت به اثبات رسیده است و دیگر لازم نیست احادیث اثبات‌گر مهدویت را از لحاظ سندی مورد خدشه قرار دهیم.

اشکال دوم ابن خلدون (عدم هم‌خوانی اندیشه مهدویت با نظریه همگرایی) و پاسخ آن

ابن خلدون، نظریه همگرایی را پایه و اساس شکل‌گیری حکومت‌ها و تداوم آن‌ها می‌داند. نظریه همگرایی او همان عصیبت است که خاستگاه نژادی و قومی دارد. وی پس از بیان این مطلب، اشاره می‌کند که اندیشه و باور به مهدی، با نظریه‌ای که پیش‌تر ارائه کرده است هم‌خوانی ندارد. وی هنگامی که از آبادی‌های نخستین و دولت‌ها و ملک و خلافت‌های فراگیر سخن گفته، بدین باور رسیده است که پیدایش دولت‌ها بر اساس نظریه عصیبت (همگرایی قومی) است:

سخن و باور درستی که می‌بایست آن را بپذیری، این است که فراخوانی به دین یا حکومتی ممکن نیست، مگر آن‌که توان و قدرت همگرایی وجود داشته باشد، تا دین یا حکومت بتواند موفق شود و دیگران قادر باشند از آن دفاع کنند، تا خواست خداوند در این باره اجرا شود. پیشتر با دلایل قطعی که به تو نشان دادیم، چنین نظریه‌ای را استوار کردیم (ابن خلدون، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۱۳۶).

سپس نظریه خودساخته‌اش را با مسئله مهدویت تطبیق داده و تشکیل حکومت جهانی توسط حضرت مهدی علیه السلام را بعید می‌شمارد:

عصبیت و همگرایی قومی فاطمیون (بلکه تمامی قریش) در آخرالزمان و در عصر ظهور در تمام سرزمین‌ها از بین رفته است و امت‌های دیگری وجود دارند که همگرایی آنان، برتر از همگرایی قومی قریش است. حتی اگر بپذیریم در حجاز (مکه، یبوع و مدینه) هنوز مدعیان از قریش باشند... اگر ظهور مهدی درست باشد، دلیلی وجود ندارد که بتوان دعوت کند، مگر به واسطه همگرایی و عصبیت قریش، تا بدین وسیله خداوند دل‌هایشان را به هم پیوند زده، از مهدی پیروی کنند، تا وی بتواند شوکت و قدرت لازم را به دست آورد؛ اما در غیر این صورت، به دلایل درستی که برشمردیم... چنین کاری غیر ممکن است (ابن خلدون، ۴۳۲ق: ج ۱، ۱۲۸).

برای این‌که مقصود از به کارگیری نظریه عصبیت برای رد اندیشه مهدویت روشن شود، باید اصل نظریه ابن خلدون بیان گردد.

عصبیت و گسترش محدوده آن

عصبیت، رابطه‌ای اجتماعی _ روحی است که آگاهانه یا ناآگاهانه افراد معینی را به هم ربط می‌دهد و بر قرابت و نزدیکی مادی و معنوی استوار است. این ارتباط، مستمر است و هرگاه خطری پیش آید که افراد را به گونه‌ای شخصی یا گروهی تهدید کند، همبستگی آشکار شود و پیوند محکم‌تر گردد (الجابری، ۱۹۹۴م: ۲۴۵).

در آغاز همگرایی میان افراد، قبیله‌ای به وجود می‌آید که دارای نسبت واحدی هستند؛ اما گاه این محدوده تنگ، گسترش می‌یابد و نسبت‌هایی همچون دوستی و هم‌پیمانی با قبایل دیگر را در بر می‌گیرد که ارتباط نسبی با هم ندارند؛ بدین سبب، قبایل غالباً برای دفع این خطرها، دست به همبستگی می‌زنند و پیمان دوستی می‌بندند (الجابری، ۱۹۹۴م: ۱۱۲).

نقد و بررسی

بی‌شک این نکته روشن است که همگرایی قومی و نژادی، همیشه دارای عملکرد مثبت برای تشکیل حکومت و دوام آن نیست؛ بلکه برخی مواقع برعکس می‌شود؛ یعنی همگرایی قومی، عامل منفی برای انقراض یا پای نگرفتن يك حکومت می‌گردد. برای اثبات این مسئله می‌توان به شواهد تاریخی و زندگی انبیای الهی پرداخت که از ناحیه

ملیت و زندگی قوم خود، به شدت مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. شاهد این مطلب این است که نخستین کسانی که در پی شکست دادن رسول خدا؟ ص؟ بر آمدند، قوم و عموزادگان پیامبر بودند؛ اما پیامبر به وسیله مسلمانانی بر آنان پیروز شد که پیش‌تر هیچ ارتباط و دوستی‌ای با رسول خدا؟ ص؟ نداشتند، حتی در آغاز کار ارتباط سببی نیز وجود نداشت (شمس‌الدین، ۳۸۵ش: ۴۰). همچنین قرآن از دیگر پیامبران سخن می‌گوید که از نزدیکان و خواص خود بدترین انواع اذیت و آزار را دیدند:

و این قوم عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و پیامبر او را نافرمانی نمودند و از فرمان هر ستمگر دشمن حق پیروی کردند (هود: ۱۱، ۵۹).

مثلاً درباره اذیت و آزار رسول خدا؟ ص؟ توسط عمویش ابولهب، چنین نقل شده است:

طارق بن عبدالله محاربی گوید: روزی در محل کسب و کار بودم که دیدم رسول خدا؟ ص؟ از بازار ذی‌المجاز می‌گذشت و لباسی سرخ بر تن داشت. شنیدم فرمود: ای مردم! بگویید: لا اله الا الله، تا رستگار شوید؛ اما مردی در پی او بود که به طرف رسول خدا سنگ می‌انداخت در نتیجه پاهای رسول خدا خونین شده بود و می‌گفت: ای مردم! از سخن این شخص پیروی نکنید؛ زیرا دروغ‌گو است. پرسیدم: وی کیست که با سنگ بدو می‌زند؟ گفتند: عمویش عبدالعزّی ابولهب فرزند عبدالمطلب است (بیهقی، ۱۴۱ق: ج ۶، ۲۰۲).

امام مهدی؟ عج؟ نیز هنگام ظهور، از ناحیه نژاد و قومیت خود که قریش و اعراب باشند مورد بی‌مهری قرار گرفته، به همین دلیل، حضرت با آنان به شدت برخورد می‌کند. امام صادق؟ ع؟ فرموده است: هرگاه قائم قیام کرد، بین او و اعراب و قریش جز شمشیر نخواهد بود و جز شمشیر از آنان نمی‌گیرد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۴).^۱

باز آن حضرت فرموده است:

حال شما چگونه است زمانی که یاران مهدی، خیمه‌ها را در مسجد کوفه بر پا کنند و سپس مهدی برای مردم، برنامه‌ای نو بر اساس امری جدید ارائه دهد و برای اعراب سخت‌گیر می‌باشد؟ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۹)^۲

۱. عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ؟ ع؟ أَنَّهُ قَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ ﷺ لَمْ يَكُنْ بَيْتَهُ وَ تَبَنَ الْعَرَبِ وَ قُرَيْشٍ إِلَّا السَّيْفُ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۴).
 ۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ؟ ع؟ أَنَّهُ قَالَ كَيْفَ أَنْتُمْ لَوْ صَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ؟ عج؟

بنابراین، نظریه ابن خلدون درباره همگرایی عصبیت، نظریه جامع و کاملی نیست و نمی‌توان با آن نظریه، یک قاعده کلی درست کرد که در صورت فقدان آن، شکل‌گیری انقلاب و نهضت‌ها، همچنین استواری و تداوم آن‌ها را از بین ببرد.

ارتباط نظریه همگرایی با انکار مهدویت

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، ابن خلدون با یاری جستن از نظریه‌ای که برای پیدایش دولت‌ها بیان کرده است، در پی انکار مهدویت و نقش آن در همگرایی است و اعتقاد دارد باورداشت مهدویت، با نظریه او که ادعا می‌کند محکم است و با دلیل و برهان ثابت شده، ناهمخوان است؛ زیرا این نظریه ثابت می‌کند هیچ جنبش یا انقلابی نمی‌تواند پیروز شود، مگر این‌که دارای همان همگرایی باشد؛ همگرایی‌ای که عامل بشری را برای انقلاب فراهم می‌آورد؛ زیرا مهم‌ترین عامل در تقویت همگرایی، حسب و نسب است. پیوند نسبی - چنان‌که در توضیح نظریه گفتیم - اساس همگرایی است. از این رو همگرایی نیازمند منتسبان به حسب و نسب واحدی است که آماده از جان گذشتگی در راهی می‌باشند که رهبر هم قبیله‌ای ایشان به آن فرمان می‌دهد. اگر چنین وضعی را بر مهدی فاطمی تطبیق دهیم، درخواهیم یافت هاشمیان و علویان (یعنی گروه فاطمیان که مهدی می‌تواند در قیامش به ایشان امید داشته باشد) قدرت‌شان از بین رفته و گروهشان از هم پاشیده و منقرض شده‌اند. دیگر کسی از آن‌ها در يك جا و يك عقیده باقی نمانده‌اند، مگر اندکی که برای جنبش و انقلاب به کار نمی‌آیند و نمی‌توانند گروهی توانمند را تشکیل دهند که مهدی بتواند برای قیام خویش به ایشان امیدوار باشد؛ چه رسد به این‌که بخواهد دولتی جهانگیر به دور از آفتی همچون ستم و فساد ایجاد کند (شمس‌الدین، ۱۳۸۵ش: ۲۶).

در پاسخ به اشکال ابن خلدون باید گفت: ابن خلدون، به میزان تاثیر دعوت دینی برای بنیان دولت‌ها و کارآیی ندای دینی اشاره می‌کند و فصل ویژه‌ای به این امر اختصاص داده و توضیح می‌دهد که عامل دینی، بر توان و قدرت دولت می‌افزاید (همان‌گونه که همگرایی قومی تاثیرگذار است). در این‌باره به دستاوردهای فتوحات اسلامی اشاره می‌کند. شمار پیکارگران مسلمان در جنگ یرموک، سی‌هزار و اندی بود، در حالی‌که جنگجویان رومی، چهارصد هزار نفر بودند. و نیز در جنگ قادسیه، سپاهیان ایرانی حدود صد و پنجاه هزار نفر بودند؛ اما مسلمانان

سی هزار نفر بودند که این همه قدرت، به سبب همگرایی دینی حاصل شده بود؛ اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود و به نوعی با نظریه همگرایی عصبیت ابن خلدون هماهنگ است و از این طریق به نفی حکومت جهانی مهدویت می‌پردازد، مستقل نبودن دین و آموزه‌های دین، در ایجاد اتحاد و وحدت است. به تعبیر دیگر، از نظر ابن خلدون، همگرایی از منظر عصبیت (همگرایی قومی، نژادی) دارای تأثیر مستقل است؛ ولی دین و آموزه‌های آن نظیر اندیشه مهدویت به طور مستقل نمی‌تواند همگرایی ایجاد کند؛ بلکه در کنار عصبیت دارای تأثیر می‌باشد؛ از این رو ابن خلدون در کتاب خویش فصلی را تحت عنوان (فی أنّ الدّعوة الدّینیة من غیر عصبیة لا تتم)، (ابن خلدون، ۴۳۲ق: ج ۱، ۱۲۶)؛ یعنی دعوت دینی بدون رابطه نژاد ممکن نیست، به این امر اختصاص داده، مهدویت را بدون عصبیت در ایجاد وحدت ناتوان قلمداد می‌کند.

پس نتیجه نظریه و دلیل ابن خلدون را چنین می‌توان بیان کرد: هر نهضت و قیام، زمانی به پیروزی و هدف می‌رسد که عواملی بیرونی نظیر عصبیت، دین و هم‌پیمانی و... آن را پشتیبانی کند. برخی عوامل فوق، نقش استقلالی دارند؛ نظیر عصبیت و بعضی دیگر، نقش تکمیلی دارند، نظیر دین، یعنی عصبیت به تنهایی توان همگرایی میان بنی آدم را دارد؛ اما مقوله دین به تنهایی نمی‌تواند همگرایی ایجاد نماید؛ بلکه در کنار عصبیت دارای تأثیر همگرایی است.

بر این اساس، وقتی نژاد و قومیت امام مهدی؟ عج؟ که همان قریش، فاطمیون و علویان هستند، دارای جمعیت قابل توجهی نباشند، یکی از عوامل مهم همگرایی در مهدویت از میان رفته است؛ اما عامل دیگر نظیر دین که نقش تبعی و تکمیلی را دارد نمی‌تواند در نهضت و قیام امام مهدی؟ عج؟ نقش همگرایی را ایفا کند؛ پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که نهضت امام مهدی؟ عج؟، برای استیلاء بر جهان و تشکیل حکومت جهانی، غیر ممکن و به دور از منطق می‌باشد.

در پاسخ گفته می‌شود: چنان‌که گفته شد، تاریخ صدر اسلام، نمونه بارزی برای رد نظریه عصبیت ابن خلدون است؛ زیرا همگرایی‌ای که میان مردم صدر اسلام بود و سبب تقویت و تعمیق اسلام پویا و نوین‌یاد گردید، از ناحیه انصار حاصل شد که از قومیت و نژاد پیامبر اکرم؟ ص؟ نبودند. اسلام، مدت زمان کوتاهی، در گستره و قلمرو وسیعی، گسترش یافت. و قریش و قومیت رسول خدا؟ ص؟ نه تنها حمایت و همراهی نکردند؛ بلکه در مقابل، با کارشکنی و توطئه، در صدد امحای دین اسلام نیز بر آمدند. نیز در فرآیند تاریخ اسلام پیروزی‌های فراوان لشکریان اسلام که با قومیت و موقعیت مختلف جغرافیایی در کنار هم جمع شده بودند، و با جان‌فشانی تمام به دفاع از اسلام و کیان اسلامی

می‌پرداختند و با نیروی قلیل بر عِدّه و عُدّه کثیر پیروز می‌شدند، همه از کارآمدی دین و آموزه‌های دینی در ایجاد همگرایی و اتحاد در جامعه اسلامی حکایت دارد؛ پس نمی‌توان نظریه ابن خلدون را درباره همگرایی پذیرفت.

جایگاه مهدویت و نقش آن

اندیشه مهدویت، اندیشه‌ای فراگیر و فرا مذهبی است و همه گروه‌های اسلامی بدان اعتقاد قلبی دارند؛ از این رو دو گروه عمده اسلامی یعنی اهل سنت و شیعه، انکار امام مهدی و ظهور او را کفر و خروج از دین اسلام تلقی می‌کنند. پیامبر اکرم؟ ص؟ فرموده است: هرکس قائم از فرزندان مرا انکار کند، در واقع مرا انکار کرده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۱۲).^۱

و نیز آن حضرت فرموده است:

هر کس که مهدی قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۷۳).^۲

همچنین در منابع اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم؟ ص؟ فرمود: هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است (مبارکفوری، ج ۶، ۴۰۲).^۳

نیز فرموده است:

هر کس ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه بر مجد نازل شده، کفر ورزیده است (قندوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ۳۹۵).^۴

روایات ذکر شده و امثال آن‌ها، در منابع روایی و تاریخی شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده است که همه آن‌ها از اهمیت و خطیر بودن اندیشه مهدویت از منظر مسلمانان حکایت دارد.

پاسخ مرکز وهابی رابطه العالم الاسلامی به پرسش مهدوی

برای اثبات جایگاه مهدویت و اعتقادی بودن آن از منظر اهل سنت، به پاسخ رابطه العالم الاسلامی، مرکز مهم دینی وهابی‌ها، به پرسش يك

۱. عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ؟ عَهِمْ؟ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ؟ ص؟ مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۱۲).
 ۲. عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ؟ ع؟ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ؟ ص؟ مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مَيِّتَةَ جَاهِلِيَّةٍ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۷۳).
 ۳. مَنْ كَذَبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ (مبارکفوری، تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۶، ۴۰۲).
 ۴. مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مِنْ عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ (قندوزی، ینابیع الموده لذوی القربی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ۳۹۵، باب ۷۸، ج ۱).

مسلمان سنی از اهالی کنیا درباره (جایگاه مهدی منتظر، زمان ظهور، مکانی که حضرت ظهور می‌فرماید و مسائل دیگر مهدویت) اشاره می‌کنیم:

مهدی، محمد بن عبدالله حسنی، علوی و فاطمی است و او مهدی موعود منتظر است. موقع ظهور وی، آخرالزمان است و ظهورش از نشانه‌های قیامت می‌باشد. از غرب ظاهر می‌شود و در حجاز در مکه مکرمه بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می‌کنند. هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فرا گرفته باشد ظهور می‌کند و زمین را از عدل و داد پُر می‌کند؛ همان‌گونه که از جور و ستم پُر شده باشد. بر همه جهان حکومت خواهد کرد و همه جهانیان برابر او سر تعظیم فرو خواهند آورد. همگی تسلیم وی خواهند شد؛ یا به میل و دلخواه یا با نبرد. او تمام روی زمین را مالک خواهد شد و عیسی؟ ع؟ بعد از ظهور او، از آسمان فرود می‌آید و دجال را می‌کشد یا همراه با ظهورش از آسمان فرود می‌آید و حضرت مهدی را بر کشتن دجال بر دروازه «لد» در سرزمین فلسطین، یاری می‌دهد.

مهدی آخرین خلفای راشدین دوازده‌گانه است که پیامبر از آن‌ها خبر داده است و در منابع اهل سنت آمده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه از شخص پیامبر اکرم؟ ص؟ نقل کرده‌اند که از جمله آنها است: عثمان بن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحه بن عبید الله، عبد الرحمان بن عوف، عبد الله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزینی، عبدالله بن حارث، ابوهیره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و ام سلمه.

این‌ها بیست نفر از کسانی هستند که روایات راجع به مهدی را نقل کرده‌اند. غیر از این‌ها، افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده است که در آنها، به ظهور مهدی تصریح شده است و آنها را نیز می‌توان در ردیف روایات پیامبر قرار داد؛ زیرا مسئله ظهور مهدی از مسایلی نیست که بتوان در آن اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر از شخص رسول اکرم؟ ص؟ نقل شده و آنچه صحابه پیامبر یا اعتماد به گفته رسول خدا بیان کرده‌اند (و شهادت و گواهی آنان نیز در حکم حدیث است) در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر اکرم اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است که از جمله آنها است: سنن ابو داوود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابوعمر الدانی، مسند احمد، ابی یعلی و بزاز، صحیح حاکم، معاجم طبرانی، رویانی، دارقطنی و ابونعیم در کتاب اخبار المهدی و خطیب در

تاریخ بغداد و ابن عساکر در تاریخ دمشق و غیر این‌ها. بعضی از دانشمندان اسلامی درباره مهدی کتاب‌های ویژه‌ای نوشته‌اند که از آن جمله است: ابونعیم در کتاب ، حجر هیثمی در کتاب ، شوکانی در کتاب ، ادریس عراقی مغربی در کتاب ، ابوالعباس بن عبدالمؤمن مغربی در کتاب . آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده‌ای از بزرگان و دانشمندان متقدم و متأخر نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث مربوط به مهدی متواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست)؛ از آن جمله است: سخاوی در کتاب ، مجد بن احمد سفارینی در کتاب ، ابوالحسن آبری در کتاب ، ابن تیمیه در کتاب ، سیوطی در کتاب ، ادریس عراقی در تالیفی که درباره مهدی دارد، شوکانی در کتاب ، مجد بن جعفر کنانی در ، و ابوالعباس بن عبدالمؤمن در کتاب . این تنها ابن خلدون است که احادیث مربوط به مهدی را با احادیثی مجعول و ساختگی و بی‌اساس که می‌گوید: «مهدی‌ای نیست، جز عیسی» مورد ایراد قرار داده است؛ ولی بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام، گفتار او را رد کرده‌اند؛ به خصوص، ابن عبدالمؤمن که در رد گفتار او کتاب ویژه‌ای به نام نوشته است که از ۳۰ سال قبل در شرق و غرب منتشر شده است.

حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده‌اند که احادیث مربوط به مهدی شامل احادیث صحیح و حسن است و مجموع آنها متواتر و صحت آنها قطعی است؛ بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسلمان واجب است و از عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی‌اطلاع از اسلام و بدعت‌گذار منکر آن نخواهد بود (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

با توجه با پاسخ مرکز الرابطة العالم الاسلامی دو نکته قابل ذکر است:
 ۱. با این که وهابیان از تندروترین گروه‌های اسلامی اهل سنت به شمار می‌روند، مسئله مهدویت و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی؟ عج؟ را پذیرفته و با سایر فرق مسلمانان در این خصوص، مشترکند، نیز به طور جدی از آن دفاع می‌کنند و آن را از عقاید رسمی خود تلقی می‌نمایند.
 ۲. غیر از مطالبی که در صدر پاسخ بیان شده و امام مهدی؟ عج؟ را

فرزند عبدالله خطاب کرده است، بقیه مطالب در بیانیه مرکز الرابطة العالم الاسلامی در راستای اعتقادات گروه‌های دیگر اسلامی، از جمله مذهب تشیع می‌باشد.

از مواردی که مهم بودن باورداشت مهدویت از میان منظومه معارف اسلامی را نشان می‌دهد، تلاش و جدیت علمای اسلامی در طول تاریخ اسلامی است که برای حفظ و صیانت اندیشه مهدویت و انتقال آن به نسل‌های بعد، کتاب‌ها و تألیفات مستقلاً پدید آورده‌اند.^۱ تألیفات اندیشوران اهل سنت در این باره فراوان است که در واقع، همه آنها از مهم بودن اندیشه مهدویت از منظر ایشان حکایت دارد.^۲

مؤلفه‌های همگرایی در باورداشت مهدویت

علاوه بر این که اصل باورداشت مهدویت عامل مؤثر و قوی برای اتحاد و همگرایی میان باورمندان به مهدوی است، معارف و آموزه‌های مهدویت نیز عامل مهمی در ایجاد اتحاد در میان مسلمانان به شمار می‌آیند.

آموزه‌های همگرایی مهدویت که همه فرقه‌های اسلامی در قبول آنها اتفاق نظر دارند، به صورت اختصار به قرار ذیل می‌باشد:

۱. آخرین خلیفه بودن امام مهدی؟ عج؟
۲. امام مهدی؟ عج؟ و شاخصه‌های او؟
۳. امام مهدی؟ عج؟ و نسب او؟
۴. امام مهدی؟ عج؟ و حتمیت ظهور او؟
۵. امام مهدی؟ عج؟ و معجزات او؟
۶. امام مهدی؟ عج؟ و میراث‌داری او؟
۷. ممهدون و زمینه‌سازان ظهور امام مهدی؟ عج؟ (سید خراسانی، یمانی و...)
۸. امام مهدی؟ عج؟ و یاران خاص!

۱. کتاب‌هایی چون: ۱. اکمال الدین و اتمام النعمة، تألیف شیخ صدوق. ۲. الغیبة، تألیف مجد ابن ابراهیم نعمانی. ۳. الوجیزة فی الغیبة، تألیف سید مرتضی علم الهدی. ۴. کتاب الغیبة، تألیف شیخ طوسی. ۵. الملاحم والفتن، تألیف سید بن طاووس. ۶. اعلام الوری، تألیف امین الاسلام طبری. ۷. المحجة فیما نزل فی القائم الحجّه، تألیف سید هاشم بحرانی. ۸. بحار الانوار، ج (۵)، ۵۲، ۵۳، تألیف مجد باقر مجلسی. ۹. اثبات الهداة، تألیف شیخ حر عاملی. و ده‌ها کتاب دیگر که برای اختصار، از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

۲. ۱. البیان عن اخبار صاحب الزمان، تألیف ابن مغازلی شافعی. ۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان، تألیف حافظ کنجی شافعی. ۳. عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر، تألیف یوسف بن یحیی مقدسی شافعی. ۴. احوال صاحب الزمان، تألیف شیخ سعدالدین حموی. ۵. المهدي، تألیف ابن قیم جوزی. ۶. العرف الوردی فی اخبار المهدي، تألیف حافظ جلال الدین سیوطی. ۷. القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، تألیف ابن حجر مکی. ۸. البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان، تألیف علی متقی هندی. ۹. فوائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر، تألیف مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی.

۹. امام مهدی؟ عج؟ و مبارزه با دجال؛
۱۰. امام مهدی؟ عج؟ و حکومت جهانی؛
۱۱. امام مهدی؟ عج؟ و گسترش عدالت جهانی؛
۱۲. حاکمیت و فراگیری جهانی اسلام در دولت مهدوی؛
۱۳. نزول حضرت عیسی بعد از ظهور امام مهدی؟ عج؟؛
۱۴. ظهور امام مهدی؟ عج؟ و اشراف الساعه؛
۱۵. دولت امام مهدی آخرین دولت اسلامی.

موارد فوق، نمونه‌هایی از مؤلفه‌های همگرایی در عرصه مهدویت می‌باشد. البته علاوه بر آن‌ها موارد دیگری نیز وجود دارند؛ ولی برای اختصار به همان موارد فوق‌الذکر اکتفا می‌کنیم. بی شک مهدویت و آموزه‌های آن، نقش مهم و خطیری در فراهم کردن بسترهای همگرایی میان مهدی باوران دارند؛ زیرا وقتی يك باور و آموزه‌های آن، مورد قبول و اعتقاد گروه‌های مختلف باشد، به طور قهری گروه‌های مختلف به محوریت آن التزام پیدا کرده و پراساس آن، به جهت‌دهی و سازمان‌دهی جامعه همت می‌گذارند. هر آن‌چه آن باور در جامعه پرننگ‌تر بوده و مردم بیشتر به آن اعتقاد بورزند، اتحاد و همگرایی میان آن‌ها پرننگ‌تر خواهد شد.

برای روشن شدن نقش باورهای مشترک مهدویت در فراهم کردن بسترهای اتحاد و همگرایی به تفصیل برخی از آموزه‌های مشترک مهدویت در میان مسلمانان که پیش‌تر، به اختصار بیان شد، خواهیم پرداخت:

ظهور امام مهدی؟ عج؟ و حتمیت آن

از جمله باورهای همگرا در اندیشه مهدویت که مورد اذعان و باور همه مسلمانان است، مسئله ظهور امام مهدی؟ عج؟ و حتمیت آن می‌باشد. روایات فراوانی که در منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت و شیعه آمده است از فراگیری اعتقاد به مسئله ظهور میان مسلمانان حکایت دارد.

ترمذی در کتاب از ابوهریره به نقل از رسول گرامی اسلام؟ ص؟ آورده است:

اگر به پایان دنیا جز يك روز باقی نماند، خداوند، آن روز را به حدی طولانی می‌سازد، تا مردی از اهل بیت من که هم‌نام من است، زمام امور را به دست گیرد (الترمذی، ۴۰۳ق: ج ۳، ۳۴۳).^۱

همچنین در منابع شیعه درباره ظهور و حتمیت آن از رسول اکرم؟ ص؟

۱. لو لم یبق من الدنيا الا یوم لطول الله ذلك الیوم حتی ینزل من اهل بیته یواطی اسمہ اسمی.

نقل شده است:

قیامت برپا نمی‌شود، تا هنگامی که قائمی از ما به حق قیام کند، و این، هنگامی است که خدای تعالی اذن ظهورش بدهد(خزاز قمی، ۴۰۱ق: ۱۰۶).^۱

از امام باقر؟ ع؟ نیز در این باره چنین نقل شده است:

قیام قائم ما از وعده‌های حتمی خداوند است. هر کس در این که می‌گویم شك و تردید به خود راه بدهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات خواهد کرد(علامه مجلسی، ۴۰۴ق: ج ۲۴، ۲۴۱).^۲

نسب و نژاد امام مهدی؟ عج؟

از جمله مسائل و موضوعات مؤثر در مهدویت که موجب همگرایی در عرصه مهدویت میان اهل سنت و شیعه می‌شود، نسب و نژاد امام مهدی؟ عج؟ است. در این باره که امام مهدی؟ عج؟ از نژاد قریش بوده و از لحاظ نسب اجدادی به حضرت زهرا؟ سها؟ و حضرت علی؟ ع؟ می‌رسد، میان همه فرقه‌های اسلامی هماهنگی وجود دارد. در از قول رسول خدا ﷺ درباره نژاد امام مهدی؟ عج؟ چنین نقل شده است:

بشارت باد شما را به مهدی! او مردی از قریش و از عترت من است (احمد بن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۷).^۳

ام سلمه از رسول خدا؟ ص؟ نقل می‌کند:

مهدی حقیقت دارد و او از فرزندان فاطمه است(بخاری، ۴۰۷ق: ج ۳، ۳۴۶).^۴

در کتاب از رسول خدا؟ ص؟ نقل شده است:

مهدی، از عترت من و از فرزندان فاطمه است... (طوسی، ۴۱۱ق: ۱۸۵).^۵

امام مهدی؟ عج؟ و معجزات

از آن جا که رسالت امام مهدی؟ عج؟ جهانی است و نتیجه بخش رسالت

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ؟ ص؟ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ الْحَقِّ مِنَّا وَ ذَلِكَ جِئَ بِأُذُنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ...

۲. مِنَ الْمُخْتُومِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ قِيَامًا قَائِمًا فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ وَ هُوَ كَافِرٌ بِهِ وَ جَازٍ لَهُ.

۳. أُبَيِّرُوا بِالْمُهْدِيِّ، رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ، مِنْ عِزَّتِي.

۴. الْمُهْدِيُّ حَقٌّ وَ هُوَ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ.

۵. وَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ الْمُهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ ...

همه انبیا در طول تاریخ بشریت می‌باشد. آن حضرت، برای پیشبرد اهداف جهانی خود به اعجاز و نیروهای ماورایی نیاز دارد. بر این اساس، استفاده آن بزرگوار، از اعجاز همه انبیا و بهره بردن او از موازین انبیا و همچنین حضور برخی انبیا در هنگام ظهور و مشارکت آنها در تحقق حکومت جهانی، قابل توجیه است. صدور اعجاز از ناحیه امام مهدی که يك موضوع مشترك میان اهل سنت و شیعه بوده و در منابع هر دو گروه مهم اسلامی آمده، سوژه مناسبی برای زمینه‌سازی اتحاد در میان مسلمانان به شمار می‌آید.

در منابع اهل سنت از قول پیامبر اکرم؟ ص؟ آمده است:
مهدی در حالی قیام می‌کند که ابری بالای سرش حرکت کرده و در آن، منادی‌ای صدا می‌زند: این، مهدی است، خلیفه خدا است؛ از او پیروی کنید (ذهبی، ۱۴۳۹ق: ج ۲، ۶۷۹).

در منابع شیعه از قول رسول خدا؟ ص؟ درباره اعجاز امام مهدی؟ عج؟ آمده است:

اگر از دنیا جز يك روز باقی نباشد، خداوند آن روز را قدری طولانی می‌کند که مردی از اهل بیت من، جهان را مالک می‌شود و معجزات به دست او آشکار می‌گردد (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۲).

نشانه‌های ظهور

رخداد ظهور به سبب مهم بودن، دارای نشانه‌هایی است که قبل از وقوع، آن نشانه‌ها یکی یکی تحقق پیدا می‌کنند. موضوع نشانمند بودن ظهور، نه تنها مورد قبول همه مهدی باوران است، بلکه مورد قبول موعود باوران (غیر مسلمانان) نیز می‌باشد؛ یعنی هر آیین و دینی که به آمدن منجی اعتقاد دارد، برای ظهور او يك سری علایم و نشانه‌هایی را بر می‌شمارد. مسلمانان، یعنی همه گروه‌های اسلامی که به آمدن امام مهدی عجله اعتقاد دارند برای ظهور او يك سری علایم و نشانه‌ها را قرار می‌دهند که مورد اتفاق و هماهنگی همه گروه‌ها می‌باشد. بر این اساس، می‌توان در این باره زمینه‌های همگرایی را مطرح کرد و موضوع فوق را بستر اتحاد و هماهنگی میان مسلمانان قرار داد.

از قول رسول خدا؟ ص؟ آمده است:
در به انجام کارها پردازید، قبل از آن که شش نشانه (ظهور) رخ دهد: طلوع خورشید از ناحیه مغرب، دجال، دود، دابة الارض

۱. يخرج المهدي على راسه غمامة، فيها مناد ينادي: هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه.
۲. لَوْ لَمْ يَنْقُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي تَجْرِي الْمَلَاحِمُ عَلَى يَدَيْهِ.

و... (طیالسی، ۱۴۲۵ق: ۲۳۲).^۱

در منابع شیعه چنین آمده است:

ابو حمزه ثمالی گوید: به امام باقر؟ ع؟ عرض کردم: آمدن سفیانی از نشانه‌های حتمی است؟ فرمود: آری، و صدای آسمانی حتمی است، و طلوع خورشید از مغرب حتمی است، و اختلاف بنی عباس در سلطنت حتمی است، و کشته شدن نفس زکیه حتمی است، و خروج حضرت قائم آل محمد؟ عج؟ حتمی است (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۷۱).^۲

زمینه‌سازان ظهور (ممهّدون)

وجود ممهّدون و زمینه‌سازان ظهور قبل از تحقق آن، مورد قبول اهل سنت و شیعه است. به بیان دیگر، در باورداشت همه گروه‌های اسلامی ظهور، امری دفعی و تصادفی تلقی نمی‌شود؛ بلکه واقعه‌ای است که با بسترسازی و تمهیدات که توسط ممهّدون شکل می‌گیرد و به صورت تدریجی رخ می‌نماید. بر این اساس، قیام‌های قبل از ظهور که به قیام امام مهدی؟ عج؟ منتهی می‌شود و در منابع اهل سنت و شیعه آمده، قابل توجیه است. در تفسیر آمده است که رسول خدا؟ ص؟ بعد از تلاوت آیه ۱۸۱ سوره اعراف^۳ فرموده است:

همانا از امت من، گروهی پیوسته بر محور حق دور می‌زنند، تا عیسی از آسمان نازل شود (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۴، ۷۷۳).^۴

حضرت امام محمد باقر؟ ع؟ می‌فرماید:

گروهی از مشرق برای دست‌یابی به حق قیام می‌کنند؛ ولی به آن نمی‌رسند. بار دیگر قیام خود را آغاز می‌کنند، باز به آن نمی‌رسند. در این صورت با اسلحه به قیام خود ادامه داده و به هدف و خواسته خود می‌رسند؛ ولی این مقدار را قبول نکرده، به قیام ادامه می‌دهند، تا این‌که نهضت خود را به صاحبشان (حضرت مهدی) می‌رسانند. کشته‌هایشان، شهید حساب می‌شوند؛ اگر آن زمان را درک کنم، خود را وقف صاحب آن قیام (امام مهدی)

۱. بادرؤا بالاعمال ستأ: طلوع الشمس من مغربها و الدجال و الدخان و دابه الارض...
 ۲. عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ؟ ع؟ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْمَخْثُومِ قَالَ تَعَمُّ وَ الْيَدَاءُ مِنَ الْمَخْثُومِ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا مَخْثُومٌ وَ اخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي الدَّوْلَةِ مَخْثُومٌ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ مَخْثُومٌ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ مَخْثُومٌ.
 ۳. وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ يَبْغِدُونَ؛ وَ مِنْهُمْ أُولُو الْأَرْحَامِ وَ مِنْهُمْ أُولُو الْأَرْحَامِ وَ مِنْهُمْ أُولُو الْأَرْحَامِ وَ مِنْهُمْ أُولُو الْأَرْحَامِ.
 ۴. قَالَ الرَّبِيعُ بْنُ أَنَسٍ قَرَأَ النَّبِيُّ؟ ص؟ هَذِهِ الْآيَةُ فَقَالَ إِنَّ مِنْ أُمَّتِي قَوْمًا عَلَى الْحَقِّ حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ.

می‌کنم (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۷).^۱

در از جابر بن عبدالله از رسول خدا؟ ص؟ نقل می‌کند:
گروهی از امت من، پیوسته در راه حق مبارزه می‌کنند، تا این‌که
مهدی ظهور کند (عثمان الدانی، ۱۴۱۶: ۱۲۳۰).^۲

نیز آن حضرت فرموده است:

گروهی که پرچم‌های سیاه دارند از طرف مشرق قیام می‌کنند؛ دو
یا سه بار در راه حق مبارزه می‌کنند، تا این‌که به پیروزی می‌رسند،
بعد از پیروزی، باز به مبارزه ادامه می‌دهند، تا این‌که پرچم را به
دست مردی از اهل بیت من می‌رسانند. پس ایشان جهان را پر از
عدل می‌کنند؛ چنان‌که پر از ظلم شده بود (ابن کثیر، ۱۳۸۹ق: ج۱،
۳۱۱).^۳

نتیجه‌گیری

مقوله اتحاد و همگرایی بر اساس داده‌های عقلی، فطری، انسانی و
دینی توجیه پذیر است؛ یعنی عقل، فطرت، انسانیت و دین، ضرورت
اتحاد و همگرایی را رصد کرده و به اثبات آن همت می‌گمارد. بر این
اساس، نمی‌توان جامعه بشری را منهای اتحاد و اتحاد را در بستری جز
جامعه تصور کرد؛ پس رابطه میان جامعه و مقوله اتحاد، رابطه علی و
معلولی می‌باشد و رابطه علی و معلولی که همان رابطه تکوینی است،
بر اساس واقعیت خارجی ترسیم می‌شود، نه بر محور رابطه اعتباری و
قراردادی. از این رهگذر، به سبب اهمیت و ضرورت همگرایی و
تأثیرگذاری آن در پیشرفت و ترقی بشر و جوامع بشری از حیث مادی و
معنوی، صاحبان مکاتب الهی و توحیدی، به مسئله همگرایی و تحقق آن
بین انسان‌ها - به ویژه در میان انسان‌های باورمند به ادیان الهی -
اهتمام جدی داشته و برای اجرای آن، از هیچ تلاش و کوششی فروگذار
نکرده‌اند.

در این میان، نقش آخرین دین الهی یعنی اسلام که جامع‌ترین و
کامل‌ترین دین آسمانی است، نقش انحصاری و بی‌بدیل است. در جای

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ كَانِي يَوْمَ قَدْ حَزَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَ
نُمْ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ قَائِدًا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَبِعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا
يُقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَذْعَبُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِيَّيْ لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ
لَأَنْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

۲. لانزال طائفة من أمتي تقاتل عن الحق حتى... ينزل المهدي.

۳. یاتی قوم من هاهنا، من نحو المشرق، اصحاب رایات سود، یسالون الحق فلا یعطونه، مرتین او
ثلاثا فیقاتلون فینصرون، فیعطون ماسالوا فلا یقبلوها حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی،
فیملأها عدلا کما ملووها ظلما...

جای متون اسلامی _ اعم از آموزه‌های فردی و اجتماعی _ ردپای اتحاد و همگرایی نمایان است. اسلام، نه تنها به باورمندان اسلامی، توصیه به اتحاد و هم دلی می‌کند:

و همگی به ریسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید.^۱

در حقیقت، این امت شما است که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم؛ پس، از من پروا دارید.^۲

به ادیان دیگر نظیر مسیحیت و یهودیت نیز اتحاد با مسلمانان را توصیه کرده و آنان را به اتحاد بر محورهای اصلی‌ترین باورهای دینی، یعنی خدانشناسی و یکتاپرستی، فرا می‌خواند:

بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم...^۳

در اسلام و فرهنگ اسلامی، وجود آموزه‌های هم‌گرا و وحدت‌آفرین که تعداد آن، بسیار است، رسالت باورمندان به اسلام _ به ویژه عالمان و اندیشوران اسلامی _ را برای تحقق اتحاد و همدلی میان مسلمانان و جوامع اسلامی دو چندان می‌کند.

بر این اساس، می‌طلبید اندیشمندان و فرهیختگان دینی برای فرصت‌سازی در راستای فرهنگ‌سازی همگرایی، میان مسلمانان، از آموزه‌های همگرایی (آموزه‌های اصلی نظیر خدا، قرآن، رسالت، مهدویت، و... و آموزه‌های فرعی نظیر، نماز، حج و...) برای نیل به جامعه مطلوب اسلامی بهره کافی ببرند.

میان آموزه‌های هم‌گرا، نقش آموزه‌های مهدویت، بی‌بدیل و ویژه است؛ زیرا باورداشت مهدویت، یک باور فرامذهبی بوده، مورد قبول همه گروه‌های اسلامی می‌باشد؛ از این رو می‌توان با دست‌مایه قرار دادن مهدویت، و با ترویج و اشاعه آن میان مسلمانان، اتحاد و همدلی را میان جوامع اسلامی اجرائی و عملیاتی کرد که ثمره آن، سوق دادن مسلمانان به سوی جامعه مطلوب و ایده‌آل اسلامی است که همان جامعه مهدوی می‌باشد.

۱. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳).

۲. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (المؤمنون: ۵۲).

۳. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران: ۶۴).

منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- _ ابن ابی الحدید، ابو حامد، عبدالحمید بن هبة الله، ، تحقیق
 مجد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، قاهره، ۱۳۷۸ق.
- _ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ، دارالفکر،
 بیروت، ۱۴۲۸ق.
- _ ابن حنبل، احمد بن مجد، ، دارصادر، بیروت، بی تا.
 ابن خلدون، عبدالرحمان بن مجد، : ، ترجمه عبدالمحمد
 آیتی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات
 فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- _ ابن خلدون، عبدالرحمان بن مجد، ، دارالفکر، بیروت، ۱۴۳۲ق.
 ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ، دارالکتب الحدیثه،
 ۱۳۸۹ق.
- _ بخاری، مجد بن اسماعیل، ، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
 برزنجی، مجد بن رسول، ، المكتبة العصرية، بیروت،
 ۱۴۲۵ق.
- _ بیهقی، احمد بن حسین، ، دارالفکر، لبنان، ۱۴۱۶ق.
 الترمذی، مجد بن عیسی، ، دارالفکر للطباعة و
 النشر و التوزیع، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ق.
- _ الجابری، مجد عابد، : :
 ، مرکز دراسات الوحده العربیة، ششم، ۱۹۹۴م.
- _ جناتی، مجد ابراهیم، ، نشر انصاریان، قم، ۱۳۸۱.
 خزاز قمی، علی بن مجد، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
- _ الدانی، عثمان بن سعید، ،
 دارالعاصمه، مبارکفوزی، رضا الله بن مجد، ریاض، ۱۴۱۶ق.
- _ دحلان، احمد زینی، ، مؤسسه
 الحلبي و شرکاء، قاهره، ۱۳۸۷ق.
- _ سویدی، مجد امین، ، دارالکتب العلمیه،
 بیروت، ۱۴۱۵ق.
- _ شبلنجی، مؤمن بن حسن، ،
 دارالفکر، قاهره، ۱۴۲۷ق.
- _ شمس الدین، زین العابدین، ،
 سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ش.
- _ صبان، مجد بن علی، ،
 دارالمیراث النبوی، بی تا.

- _ صدوق، مجدبن علی بن حسین بن بابویه قمی،
دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۹۵ق.
- _ صدیق حسن خان، مجدصدیق،
مکتبه دارالسلام، ریاض، ۱۴۱۶ق.
- _ طبرسی، فضل بن حسن،
تهران، سوم، ۱۳۷۲ش.
- _ طوسی، ابوجعفر مجدبن الحسن،
دارالثقافه، قم، اول، ۱۴۱۴ق.
- _ _____،
مؤسسه معارف اسلامی،
قم، ۱۴۱۱ق.
- _ _____،
دارالکتب الإسلامیه،
تهران، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- _ العمیدی، ثامر هاشم حبیب،
مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه،
اول، ۱۳۷۴ق.
- _ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم،
گنجی، مجدبن یوسف،
دارالأسوه، ۱۴۲۲ق.
- _ للمطبوعات، قم، ۱۴۱۷ق.
- _ مبارکفوری، مجد عبدالرحمن
بیروت، بی تا.
- _ مجلسی، مجدتقی،
مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ق.
- _ محفوظ، مجد،
دارالغرب الاسلامی، بیروت،
۱۳۷۳ش.
- _ مفید، مجدبن مجد،
کنگره شیخ مفید، قم،
اول، ۱۴۱۳ق.
- _ المقدم، مجد احمد اسماعیل،
دارالعالمیه، مصر،
۱۴۲۳ق.
- _ ناصف، منصور علی،
الاسلامیه، بیروت، ۱۳۸۱ق.
- _ نعمانی، مجدبن ابراهیم،
مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
- _ هاشمی شهیدی، سیداسدالله،
مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰ش.
- _ هاشمی خویی، میرزا حبیب الله،
حسن زاده آملی، حسن و کمره ای، مجدباقر، محقق و مصحح: میانجی،
ابراهیم، مکتبه الإسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۰ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی